

تحلیل اثر باز بودن تجاری و حکمرانی خوب بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی در ایران

پرنیان زربخش^۱، دکتر مصطفی رجبی^{۲*}

چکیده

رشد با ثبات و پایدار از اهداف اصلی در هر اقتصاد می‌باشد. بنابراین کشورها در مسیر رشد اقتصادی با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله ارتباط تجاری با کشورها و ایجاد نهادهای متناسب با رشد، بدنبال مسیر رشد با ثبات می‌باشند. اثر باز بودن تجارت خارجی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای مختلف به دلیل تفاوت در نهادهای کشورها، متفاوت می‌باشد. لذا این مقاله به تحلیل تأثیر باز بودن تجاری با در نظر گرفتن وضعیت نهادهای حکمرانی دولت بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی در ایران می‌پردازد. به منظور بررسی این اثر از انحراف معیار رشد اقتصادی به عنوان متغیر بی‌ثباتی رشد، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان درجه باز بودن تجاری و میانگین شش شاخص حکمرانی خوب شامل: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد به عنوان شاخص حکمرانی سیاسی دولت و نسبت بدهی‌های دولت به تولید ناخالص داخلی نیز به عنوان حکمرانی اقتصادی دولت در نظر گرفته شد. نتایج برآورد الگو به روش ARDL برای ایران طی دوره زمانی 1375-1400 حاکی از آن بود که شاخص باز بودن تجاری و بهبود شرایط حکمرانی خوب اثر مثبت و معنی‌داری بر کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران دارد.

واژگان کلیدی: بی‌ثباتی رشد اقتصادی، حکمرانی اقتصادی، حکمرانی خوب، باز بودن تجاری.

طبقه‌بندی JEL: H11، O43، E32، C33

۱ - دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده حقوق و اقتصاد، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران،

Parnian.zarbaksh@iaukhsh.ac.ir

۲ - استادیار گروه اقتصاد، دانشکده حقوق و اقتصاد، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) rajabi@iaukhsh.ac.ir

1- مقدمه

طی دهه‌های گذشته، کشورها تغییرات اساسی در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داشته‌اند و در اکثر کشورها بر آزادی اقتصادی، باز بودن تجاری، حذف موانع تجاری، کاهش مداخلات دولت در اقتصاد و حرکت به سوی نظام بازار آزاد تأکید شده است. باز بودن تجاری از مقوله‌هایی است که اقتصاددانان و سیاست‌گذاران همواره به آن توجه کرده‌اند. برخی معتقدند باز بودن تجاری به بهبود عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی کمک می‌کند و روند رشد اقتصادی را تسریع می‌بخشد (عزیزی و همکاران، 1397). مطالعاتی همچون راگوتلا و همکاران¹ (2018 و 2020)، هادهک و مراد² (2015)، مرکان و همکاران³ (2013) حاکی از اثر مثبت افزایش درجه باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی است. باز بودن تجاری فرصت‌های بیشتری را برای صادرات و واردات ایجاد نموده، باعث افزایش فرصت‌های شغلی، بهبود بهره‌وری و افزایش تنوع کالاهای دارای هزینه کمتر برای مصرف‌کنندگان می‌شود و به افزایش رشد اقتصادی کمک می‌کند (راگوتلا و همکاران، 2020). از جنبه دیگر نیز می‌توان گفت که باز بودن تجاری، ممکن است باعث نوساناتی در اقتصاد گردد که به رشد اقتصادی آسیب می‌رساند (بریگو گلیو و ولا⁴، 2019). دی‌جیوانی و لوچنکو⁵ (2009)، لوئایزا و راداتز⁶ (2007) و کریشنا و لوچنکو⁷ (2009) باز بودن تجاری را با ایجاد نوسان و بی‌ثباتی مرتبط کردند.

ارتباط بین این دو متغیر به وسیله فرضیه اثر جبرانی گسترش بازارهای بین‌المللی توضیح داده شده که معتقد به بی‌ثباتی رشد اقتصادی به عنوان اثر جبرانی می‌باشد. طرفداران این نظریه معتقدند که افزایش تجارت خارجی منجر به افزایش نوسانات در اقتصاد داخلی می‌شود (میرکو و همکاران⁸، 2017). از طرفی تصور می‌شود که میزان اثرگذاری باز بودن تجاری بر نوسانات نیز بستگی به میزان توسعه‌یافتگی کشور دارد. ابوبکر⁹ (2015) دریافت که باز بودن تجاری در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته تأثیر بیشتری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی دارد. این موضوع می‌تواند توضیح دهد که چرا اقتصادهای فقیر مانند کشورهای کمتر توسعه‌یافته با وجود اینکه درجه باز بودن تجاری بالایی دارند، بی‌ثباتی درآمندی بیشتری را تجربه می‌کنند. تعدادی از مطالعات هم تأثیر مثبت باز

1- Raghutla et al

2- Hadhek & Mrad

3- Mercan et al

4- Briguglio and Vella

5- Giovanni and Levchenko

6- Loayza and Raddatz

7- Krishna and Levchenko

8- Mireku et al

9- Abubaker

بودن تجارت بر بی‌ثباتی را تأیید نمی‌کنند. بادلر و مالیک^۱ (2017) استدلال می‌کنند که باز بودن تجارت می‌تواند از طریق تغییر الگوی مصرف و تولید به سمت کالاهایی که شرایط تجارت آن‌ها نسبتاً پایدار است، بی‌ثباتی را تا حد زیادی کاهش دهد. هگرتی^۲ (2014) نیز نشان داد که در کشورهای در حال توسعه کم‌درآمد، باز بودن تجاری منجر به کاهش نوسانات در تولیدات داخلی شده است. بیژن^۳ (2006) بیان می‌کند که اگر اندازه دولت و میزان ریسک‌های خارجی در کشور کنترل شود، تأثیر باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی منفی خواهد شد. ولی محققان مختلف، ضمن تأیید اثر باز بودن تجاری به بی‌ثباتی رشد، اثر اهمیت عوامل داخلی از جمله حکمرانی، چارچوب‌های نهادی و سیاست‌های اقتصادی داخلی در کاهش یا تشدید بی‌ثباتی تأکید می‌نمایند. سوءمدیریت نهادهای سیاسی و سیاست‌های انتخابی دولت، بر میزان تأثیرگذاری درجه باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی مؤثر است (فاتاش و میهو^۴، 2013). حکمرانی خوب در مفهوم گسترده آن، ناظر بر تعامل مؤثر میان سه رکن دولت، بازار و نهادهای مدنی است. در نظریه حکمرانی خوب از دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز یاد می‌شود. به طوری که این توانایی را دارد تا با ایجاد نهادهای حامی بازار، زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورد (کریمی و همکاران، 1396). مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که کیفیت نهادها یک مؤلفه مهم در ارزیابی آثار باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی است. کالدرون و فونتس^۵ (2006) استدلال می‌کنند که کشورهای دارای نهادهای قوی بیشترین سود را از باز بودن تجاری دریافت می‌کنند.

با توجه به اینکه بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه همچون ایران اثرات مخربی بر رفاه جامعه دارد، شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به ارائه راهکارهای مؤثر برای ایجاد ثبات به سیاست‌گذاران کمک کند. به دلیل اهمیتی که ثبات رشد اقتصادی در کشور و برنامه‌ریزی‌های سیاست‌گذاران دارد و با توجه به مزایای مشارکت کشور در تجارت بین‌الملل، همچنین با توجه به اثر حکمرانی خوب بر بهبود وضعیت اقتصادی، در مقاله حاضر به تحلیل اثر باز بودن تجاری و حکمرانی خوب، بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران پرداخته می‌شود. بدین منظور مقاله حاضر در 5 بخش تدوین شده است. در بخش دوم به ادبیات موضوع و در بخش سوم به مروری بر مطالعات مرتبط با موضوع مقاله پرداخته می‌شود. بخش چهارم تصریح الگو و نتایج آزمون‌ها و تخمین را شرح می‌دهد. در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌شود.

1- Bowdler and Malik

2- Hegerty

3- Bejan

۴- Fatás and Mihov

۵- Calderon and Fuentes

2- مبانی نظری

2-1- بی ثباتی رشد اقتصادی

رشد اقتصادی از افزایش تولید و عرضه کالاهای اقتصادی به مردم ناشی از فناوری و سایر عواملی مانند تعدیلات نهادی و ایدئولوژیکی ناشی می‌شود (کوزنت^۱، 1971) و صرفاً به رفاه مادی محدود نمی‌شود، بلکه به گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی منجر می‌شود، سطح زندگی افراد را ارتقاء می‌دهد، فرصت‌های بیشتری برای آن‌ها فراهم می‌کند تا بهتر تغذیه شوند، سالم‌تر باشند و از عمر طولانی‌تری برخوردار شوند (کروگر و لیندال^۲، 1998). رشد اقتصادی باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شده و تقاضای نیروی کار از طرف بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد. از آنجایی که توانایی کار کردن، مهمترین دارایی اقشار فقیر جوامع است، می‌توان گفت که رشد اقتصادی منجر به کاهش فقر در جامعه می‌شود (عمادزاده و جعفری، 1398).

واژه بی‌ثباتی در ادبیات اقتصادی معادل دو واژه لاتین *Volatility* و *Instability* به کار رفته است. هرچند برخی محققان تفکیک خاصی بین این دو واژه قائل نیستند، اما از *Instability* مفهوم وسیع‌تری را مدنظر دارند. این واژه معمولاً تکانه‌های ناشی از شوک‌ها و تغییرات غیرمتعارف برخی متغیرهای اقتصادی مانند بالا بودن نرخ تورم را شامل می‌شود. در مقالات مختلف، وقوع شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، نوسان‌ها و انحراف‌های متغیرهای اقتصادی، عدم امنیت اقتصادی و غیره به عنوان بی‌ثباتی مطرح شده‌اند. از سوی دیگر، در تعریف محیط باثبات اقتصاد کلان چند متغیر اساسی در کانون توجه است که عبارت از نرخ تورم، کسری بودجه، نرخ ارز و رابطه مبادله و نرخ رشد اقتصادی است. بی‌ثباتی در حوزه اقتصاد کلان از جمله بی‌ثباتی رشد اقتصادی، موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد. از این رو، ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت کمک بسیاری به رشد واقعی اقتصاد می‌کند. به عبارتی ثبات نرخ رشد اقتصادی نیز خود به افزایش رشد اقتصادی کمک خواهد کرد (دهقان منشادی و پوررحیم، 1392).

2-2- اثر باز بودن تجاری بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی

۱- Kuznet

۲ - Krueger & Lindahl

امروزه جنبش عظیمی در کشورهای جهان سوم برای از بین بردن شکاف اقتصادی به وجود آمده است، بنابراین به رشد و توسعه باثبات و متعادل اقتصادی اهمیت زیادی داده می‌شود. یکی از سیاست‌های موثر بر رشد و توسعه پایدار، توسعه تجارت خارجی است. آدام اسمیت^۱ با ارائه نظریه مزیت مطلق، تجارت خارجی را وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار و افزایش تولید می‌داند. بر اساس نظریه مزیت مطلق و مزیت نسبی دیوید ریکاردو^۲ نیز تجارت بین‌الملل از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است (عزیزی و همکاران، 1397). بر اساس نظریات رشد درونزا، افزایش در درجه باز بودن تجاری، منجر به بهبود فناوری و افزایش تولید شده و از طریق انباشت اطلاعات در کشور، به فرآیند توسعه سرعت می‌بخشد. کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران نیز می‌توانند از طریق انتقال دانش از کشورهای ثروتمند، رشد اقتصادی خود را افزایش دهند. در کشورهایی که از درجه باز بودن تجاری بالایی برخوردارند، امکان دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بیشتر فراهم است (گراسمن و هلپمن^۳، 1995). با فرض ثابت ماندن قیمت کالاهای بین‌المللی، کاهش یافتن تعرفه کالاهای وارداتی، می‌تواند منجر به افزایش صادرات و واردات و در نتیجه تولید ناخالص داخلی شود. بدین ترتیب افزایش تجارت بین‌المللی علت افزایش رشد اقتصادی است (کروگمن^۴، 1981). با توجه به مطالعات تجربی پیشین، تجارت خارجی بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. تجارت خارجی همچنین می‌تواند منجر به نوساناتی شود که برای رشد اقتصادی کشور مضر است. اما بر اساس مطالعات نظری موجود در مورد اثر تجارت خارجی و باز بودن تجاری با بی‌ثباتی رشد اقتصادی ارتباط مبهم و پیچیده‌ای وجود دارد. در واقع، اتفاق نظری در مورد مثبت یا منفی بودن این ارتباط در مباحث پیرامون آن نمی‌توان یافت (بریگوگلیو و ولا، 2019). در دهه 1990، نظریه‌پردازانی مانند رومر^۵ (1990) و وایا و همکاران^۶ (1999)، الگوهای متفاوتی را در زمینه تجارت و رشد ارائه دادند که براساس آن‌ها باز بودن تجاری از طریق افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، گسترش دانش و افزایش اندازه بازارها، رشد اقتصادی را تحریک می‌کند. در واقع، آنچه نقش تجارت و باز بودن اقتصاد را بیشتر مشخص می‌سازد، آن است که باز بودن تجاری و امکان دسترسی کشورهای مختلف به داده‌های مهم صنعتی، ظهور فناوری‌های موجود را فراهم ساخته است. به طوری که کشورها می‌توانند با تکیه بر توان داخلی و صناعی که در آن مزیت نسبی دارند، کارآیی و سودآوری خود را افزایش داده و برای افزایش تولید در دوره‌های بعد و همچنین ورود تولیدکنندگان به عرصه تولید در یک فضای

۱ - Adam Smith

۲ - David Ricardo

۳ - Grossman And Helpman

۴ - Krugman

۵ - Romer

۶ - Vaya et al

رقابتی تر ایجاد انگیزه کنند. در چنین محیطی، با گسترش بازارها، امکان بهره‌گیری از ایده‌ها و تفکرهای نو، صرفه‌جویی‌های مقیاس و تسهیل جریان سرمایه حاصل خواهد شد و تمام این عوامل در ایجاد یک رشد مداوم همراه با نوسانات کمتر، مؤثر خواهند بود (عزیزی و همکاران، 1397). اما از سوی دیگر، این امکان وجود دارد که با افزایش مبادلات اقتصادی با بازارهای خارجی، کشورها به‌طور گسترده‌تری در معرض نوسانات جهانی قرار گیرند و بخشی از این نوسانات ناخواسته به اقتصاد کشور تحمیل شود و ثبات اقتصادی را دستخوش تغییر کند، به‌طوری که هرچه درجه باز بودن تجاری یک اقتصاد بیشتر باشد، یک اختلال در صادرات و واردات، آثار گسترده منفی بر اقتصاد به دنبال خواهد داشت. بنابراین، افزایش تجارت می‌تواند در افزایش نوسانات اقتصادی مؤثر باشد (بریگوگلیو و همکاران، 2009).

2-3- حکمرانی خوب^۱

مفهوم حکمرانی خوب در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد، اما در طول دهه 1980 با مفهوم جدیدی ظهور کرد که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره دارد. این اصطلاح در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، مترادف با واژه دولت استفاده شده است (سامتی و همکاران، 1390). حکمرانی به صورت «روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان و همچنین نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است (عیسی‌زاده و احمدزاده، 1388). در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است (سامتی و همکاران، 1390). بنا به تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب سنت‌ها و نهادهایی هستند که توسط آن‌ها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود. در تعریف دیگری از یونسکو در سال 2002 حکمرانی خوب به معنای سازو کارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشان را بر عهده می‌گیرند (بدیسار و همکاران، 1399). سه محقق بانک جهانی به نام‌های کافمن، کری و لوباتون یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی همچون EIU^۲ و ICRG^۳، بنیاد هریتیج^۴ و خانه آزادی^۵ در مورد وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ترکیب کردند و 6 شاخص حکمرانی خوب با عنوان حق

۱- Good Governance

۲ - Economist Intelligence Unit

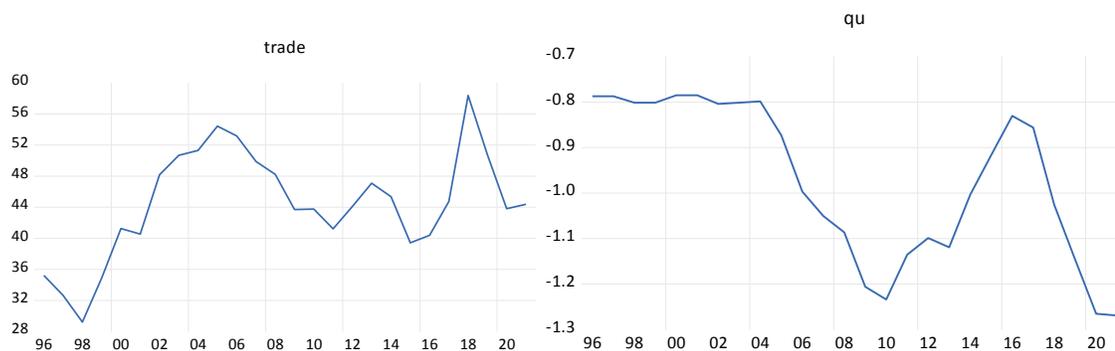
۳ - International Country Risk Group

۴ -The Heritage Foundation

۵ -Freedom House

حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را معرفی کرده‌اند (خداپرست مشهدی و همکاران، 1395). در این مقاله از میانگین شش شاخص مذکور به عنوان شاخص کیفیت نهادی استفاده می‌شود.

2-3-1- بررسی روند متغیرهای میانگین 6 شاخص حکمرانی خوب، باز بودن تجاری، رشد اقتصادی و بی ثباتی

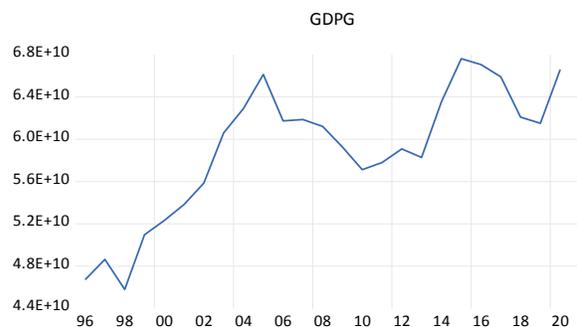


نمودار 1- شاخص حکمرانی خوب طی دوره زمانی 1375 تا 1400

نمودار 2- باز بودن تجاری طی دوره زمانی 1375 تا 1400

مطابق با جدول 1 روند شاخص حکمرانی خوب در کل نزولی بوده است و در سال‌های 1392 تا 1396 وضعیت به نسبت بهبود یافته و در سال‌های 1397 تا کنون روند کاهش داشته است. در کل این شاخص در طول زمان روند کاهشی داشته است. به طوری که در سال 1375 این شاخص برابر 0/8- بوده و در سال 1400 این شاخص حدوداً برابر 1/27- بوده است.

مطابق با نمودار 2- باز بودن تجاری در طی زمانی مورد نظر روند نوسانی داشته است و کمترین میزان این شاخص مربوط به سال 1398 بوده است. و بیشترین مقدار این شاخص مربوط به سال 1375 بوده است.



نمودار 3- روند رشد اقتصادی در طی دوره زمانی 1375 تا 1400

رشد اقتصادی در ایران در طی دوره مورد نظر نوسانی بوده و در کل به نسبت روند صعودی داشته است. بیشترین مقدار این شاخص مربوط به

سال 1394 است. کمترین میزان رشد اقتصادی مربوط به سال 1378 بوده است.

2-4- اثر شاخص‌های نهادی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی

برخی از اقتصاددانان توسعه معتقدند که حکمرانی خوب بر عملکرد اقتصادی اثر مثبت دارد. اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا اعمال سیاست‌های حکمرانی خوب می‌تواند به کشورهای در حال توسعه نیز کمک کند تا همچون کشورهای صنعتی به رشد اقتصادی بالاتری دست پیدا کنند؟ مطالعات اقتصاددانان نهاد‌گرای جدید در مورد رابطه بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب (کافمن و همکاران (2005)؛ هال و جونز^۱ (1999)؛ رودریک^۲ (2002)) منجر به ایجاد دو نظریه در مورد «شکست دولت» در کشورهای در حال توسعه شده است. اولین نظریه با عنوان «حکمرانی دولت تقویت‌کننده رشد اقتصادی» دولت را دارای نقش حاکمیتی می‌داند. بدین ترتیب عملکرد مناسب بازارها از طریق اعمال حاکمیت دولتی، با عملکرد مناسب نهادهای کارآمد ارتباط پیدا می‌کند و تحت عنوان «حکمرانی خوب» نامیده می‌شود. از این منظر توسعه نیافتگی و پایین بودن رشد اقتصادی کشورها را می‌توان به شکست دولت در اجرای حکمرانی خوب مرتبط کرد. دومین نظریه با عنوان «رشد اقتصادی تقویت‌کننده حکمرانی دولت» توسط خان^۳ (2004) و رودریک (2002) مطرح شد. خان مفهوم حکومت را با توجه به ظرفیت دولت‌ها برای ایجاد تغییرات ساختاری در زمینه‌های نهادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نظر می‌گیرد و معتقد است رشد اقتصادی بلندمدت اقتصادی بدون ایجاد چنین اصلاحات ساختاری ایجاد نخواهد شد (جعفری و همکاران، 1398). به عقیده خان قابلیت‌های دولت برای ایجاد اصلاحات در ساختارهای اقتصادی اولین گام برای بهبود عملکرد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است و در مرحله دوم این اصلاحات منجر به تقویت حکمرانی خوب و افزایش رشد اقتصادی خواهد شد (میرا و حمدآچه^۴، 2017). در واقع نظریه پردازان حکمرانی خوب معتقدند کارکرد نظام بازار به طور کلی مستلزم ساماندهی روابط کارفرما-کارگزار در همه عرصه‌ها است. هر جا پای قرارداد و انتقال اختیارات در میان است باید دولت شرایط لازم برای انعقاد و اجرای صحیح و کامل قراردادها را تضمین کند. به طور مثال بعضی اقتصاددانان معتقدند که در جوامعی که شهروندان از آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردار هستند، حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگوتر هستند و سیاست‌های را انتخاب

۱ - Hall & Jones

۲ -Rodrik

۳ -Khan

۴ -Mira & Hammadache

خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش دهد. ارتقا سرمایه انسانی منجر به تولید بالاتر است. همچنین حکمرانی خوب و آزادی‌های سیاسی منجر به تخصیص بهینه منابع می‌شود. زیرا با وجود آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی شفافیت اقتصادی و اجتماعی به واسطه افزایش آگاهی مردم از وضعیت جامعه بوجود می‌آید و بنابراین منجر به افزایش پاسخ‌گویی دولت می‌شود. همچنین از آنجا که قوانین و مقررات اختلال‌زا باعث ایجاد محدودیت‌های تجاری و اداری در مسیر راه‌اندازی کسب و کار است و با بهبود وضعیت کیفیت قوانین و مقررات می‌توان بر این مشکل غلبه کرد. همچنین اثر بخشی دولت منجر به ایجاد بروکراسی‌های شایسته می‌شود که می‌تواند به کارآفرینان منفر کمک کند تا فعالیت‌های جدید حیاتی را ایجاد کنند. حاکمیت قانون بیان می‌دارد که طرف‌های تجاری حتی دولت از قراردادها پیروی می‌کنند و بنابراین ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. فساد نیز از طریق هدایت غیر بهینه منابع و استعدادهای جامعه می‌توان منجر به تخصیص غیر بهینه منابع شده و بنابراین بر رشد اقتصادی تأثیر منفی گذارد. از این رو کنترل فساد می‌تواند منجر به کاهش موانع رشد اقتصادی شود برادران شرکا و ملک‌الساداتی، (1387).

2-5- اثر حکمرانی اقتصادی دولت بر رشد اقتصادی

دخالت دولت در اقتصاد بر اساس وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری آن جهت رفع نارسایی بازار امری اجتناب‌ناپذیر است. با این وجود، نارسایی دولت نیز می‌تواند به اندازه نارسایی بازار مصداق داشته باشد. به طوری که با رشد غیربهینه اندازه دولت، حضور بخش خصوصی در اقتصاد کمرنگ‌تر می‌شود و این وضعیت به مرور زمان منجر به محدودتر شدن ظرفیت و پایه مالیاتی می‌شود. از سوی دیگر هزینه‌های جاری دولت با رشد غیربهینه اندازه دولت افزایش می‌یابد و این هزینه‌ها برای کاهش نیز از انعطاف‌پذیری کمتری برخوردار هستند. در نتیجه این شرایط، بار هزینه‌ای ناشی از اندازه غیربهینه و بزرگ دولت بر درآمدهای جاری دولت غلبه می‌کند و دولت با کسری تراز عملیاتی مواجه می‌شود. از طرفی، اندازه بزرگ دولت به دلیل کارایی کم فعالیت‌های دولتی و گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه، کاهش رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت و در نتیجه کسری بودجه حالت ساختاری (دائمی) پیدا می‌کند (بازمحمدی و چشمی، 1385). در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی همچون ایران وجود رانت اقتصادی طبیعی در طول زمان وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری دولت را به صورت غیرسازنده‌ای توسعه داده‌است. در اکثر مواقع کشورهای برخوردار از رانت منابع طبیعی جهت جبران کسری ساختاری، با کاهش هزینه‌های عمرانی اقدام به ایجاد مازاد تراز سرمایه‌ای در بودجه می‌کنند و مازاد ایجادشده را به هزینه‌های جاری تخصیص می‌دهند. این امر دارای تبعات پایدار منفی و

بلندمدت برای رشد اقتصادی است (سلمانی و همکاران، 1395). دو طیف حدی مبانی نظری رابطه بدهی‌های دولت و بخش واقعی اقتصاد، شامل اصل برابری ریکاردویی و نظریه کینزی است. اصل برابری ریکاردویی بیان می‌کند که برای یک سطح مشخص از مصرف دولت، انتقال بین دوره‌ای مالیات‌ها (انباشت بدهی‌ها یا کاهش بدهی‌های دولت) تأثیری بر مصرف بخش خصوصی ندارد؛ بنابراین در یک اقتصاد بسته نرخ بهره، سرمایه‌گذاری و تولید نیز تغییری نخواهند کرد. اگر این اصل در اقتصاد صادق باشد، در این صورت کارکرد سیاست‌های مالی به‌عنوان یک ابزار در راستای ثبات اقتصادی به شدت محدود خواهد شد. این مسأله برخلاف دیدگاه کینزین‌ها است. از نظر کینزین‌ها، کاهش مالیات‌ها با حفظ سطح مخارج مصرفی دولتی (انباشت بدهی دولتی) در یک دوره مصرف بخش خصوصی را افزایش می‌دهد و در نتیجه متغیرهای اقتصادی همچون تولید و اشتغال را متأثر می‌کند (آپیره^۱، 2014). دیدگاه متعارف درباره بدهی‌های دولتی بیان می‌کند که در کوتاه‌مدت، تولید بر مبنای تقاضا تعیین می‌شود و کسری مالی بر درآمد قابل تصرف، تقاضای کل و تولید تأثیر مثبت دارد. این اثرات مثبت احتمالاً زمانی که سطح محصول واقعی زیر ظرفیت بالقوه است، بزرگتر خواهد بود. الماندورف و منکیو^۲ (1999) بیان کرده‌اند در بلندمدت اگر برابری ریکاردویی صادق نباشد، کاهش در پس‌انداز بخش عمومی ناشی از کسری بودجه به‌طور کامل با افزایش پس‌انداز بخش خصوصی جبران نخواهد شد. در نتیجه پس‌انداز ملی کاهش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری هم در داخل و هم خارج کاهش می‌یابد. کاهش سرمایه‌گذاری در داخل باعث کوچکتر شدن موجودی سرمایه، نرخ بهره‌های بالا و بهره‌وری و دستمزد نیروی کار پایین می‌شود. در عوض، سرمایه‌گذاری خارجی پایین‌تر منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد داشت. این اثر منفی افزایش در بدهی‌های دولتی بر روی تولید ناخالص داخلی می‌تواند به دلیل وجود انحرافات مالیاتی تقویت شود؛ بنابراین نمی‌توان همواره به انباشت بدهی دولتی ادامه داد و لازم است در دوره رونق بدهی‌های دولت تسویه شوند. در کل بر اساس دیدگاه متعارف در کوتاه‌مدت با افزایش بدهی‌های دولت، تقاضای کل افزایش می‌یابد اما در بلندمدت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با اثر جایگزینی^۳ مواجه می‌شود (الماندورف و منکیو، 1999).

3- پیشینه پژوهش

۱- Apere

۲- Elmendorf and Mankiw

۳- Crowding out Effect

از میان مطالعات داخلی مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌توان به مطالعه ابونوری و خواجه‌زاده (1399) اشاره کرد که نشان دادند گسترش تجارت در کشورهای صادرکننده نفت عضو اوپک در دوره زمانی 2017-1995 اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. نتایج مقاله احمدپور کچو و دهمرده (1398) بیانگر آن بود که توسعه مالی و کیفیت نهادی اثر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی سال‌های 2014-2002 داشته است. از طرفی اثر تعاملی توسعه مالی و نهادی نیز نشان داد که در کشورهای توسعه یافته، توسعه مالی به دلیل ساختار مناسب نهادی موجب بهبود رشد اقتصادی می‌شود. مطالعه جهان تیغ و همکاران (1398) نشان داد که در بخش نفتی، بخش نفتی نشان داد دولت اصلاحات در سرمایه، نیروی کار و ریسک سیاسی بهتر از سایر دولت‌ها عمل کرده است. تایج بخش غیرنفتی گویای آن است که اثر صادرات بر رشد اقتصادی در دولت عدالت مانند دولت پایه است؛ اما در دولت سازندگی و اصلاحات اینگونه نیست. اثر نیروی کار بر رشد اقتصادی در دولت پایه معنادار نیست؛ اما در دولت‌های سازندگی، اصلاحات و عدالت مثبت و معنادار است. ریسک سیاسی در دولت اصلاحات نسبت به دولت‌های دیگر بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی داشته است. عزیزی و همکاران (1397) نشان دادند که هرچه میزان بازبودن تجاری در 18 کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های 2015-1980 بیشتر شود، به دلیل انتقال شوک‌های خارجی به اقتصاد، بی‌ثباتی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، اما تنوع صادراتی می‌تواند به کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی ناشی از تجارت جهانی کمک کند. زارعی و لاجوردی (1397)، نشان دادند که تکانه‌های نفتی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی تأثیر دارد و توسعه مالی می‌تواند اثرات منفی تکانه‌های نفتی را تعدیل کند و موجبات رشد پایدار اقتصادی را فراهم آورد. کریمی و همکاران (1396) نشان دادند که در ایران طی سال‌های 1394-1362 حکمرانی اثر مثبت و بازبودن تجاری اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند.

از بین مطالعات خارجی مرتبط نیز می‌توان به اعظم^۱ (2022) و حمید و همکاران^۲ (2022) اشاره کرد، نتیجه این دو مطالعه نشان داد که بهبود حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته است. راگوتلا^۳ (2020) اشاره کرد که نشان داد باز بودن تجاری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی 5 کشور نوظهور طی دوره زمانی 2016-1993 داشته است. بریگوگلیو و ولا^۴ (2019) نیز نتیجه گرفت که از میان 171 کشور طی دوره زمانی 2015-2010، کشورهایی که وابستگی زیادی به تجارت خارجی داشته‌اند دچار بی‌ثباتی بیشتری در رشد اقتصادی شدند، اما کشورهایی که درجه باز بودن تجاری بالایی دارند با اجرای سیاست‌های حکمرانی مناسب می‌توانند از بروز بی‌ثباتی در رشد اقتصادی

۱- Azam

۲- Hamid & et al.

۳- Raghutla

۴- Briguglio and Vella

جلوگیری نمایند. نتایج مطالعه بینای و آتالای^۱ (2019) حاکی از آن بود که در 183 کشور طی دوره زمانی 2005-2015، افزایش کیفیت نهادهای حاکمیتی باعث افزایش رشد اقتصادی شده، اما توزیع درآمد را بهبود نداده است. میرکو و همکاران (2017) پی بردند که در غنا طی دوره زمانی 1970-2013، بی ثباتی رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلندمدت به طور مستقیم تحت تأثیر باز بودن تجاری قرار داشته است. از طرفی عدم ثبات در اعتبارات داخلی برای بخش خصوصی، شوک پس از آزادسازی اقتصادی و باز بودن مالی در کوتاه مدت اثر منفی بر نوسانات رشد اقتصادی داشته است. نتایج مطالعه مکونن و دوگرونل^۲ (2017) بیانگر آن است که باز بودن مالی و تجاری منجر به کاهش بی ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای صحرای آفریقا طی دوره زمانی 1981-2010 شده، اما تجارت کالاهای صنعتی نسبت به کالاهای غیرصنعتی بی ثباتی رشد اقتصادی را بیشتر کاهش داده است. امارا و چیو^۳ (2016) نشان دادند که شاخص تجمیع شده حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی 9 کشور از کشورهای عضو منا در دوره زمانی 2009 تا 2013 اثر مثبت داشته است. دبرون و همکاران^۴ (2008) نیز برای کشورهای عضو OECD طی دوره زمانی 1991-2007 بدین نتیجه دست یافتند که اگر مخارج دولت از 40 درصد تولید ناخالص داخلی تجاوز نکند، تولید ناخالص داخلی با بی ثباتی چندانی مواجه نخواهد شد.

مرور تحقیقات پیشین نشان می دهد که در ایران مطالعه‌ای به تحلیل اثر باز بودن تجاری و حکمرانی بر بی ثباتی رشد اقتصادی به صورت یک جا نپرداخته، لذا تحلیل اثر متغیرهای باز بودن تجاری و حکمرانی بر بی ثباتی رشد اقتصادی ایران نوآوری مقاله حاضر است.

4- تصریح الگو

براساس مبانی نظری و به پیروی از بیرگوگلیو و ولا (2019) جهت انطباق مدل با شرایط اقتصاد ایران مدل (1) را می توان ارائه نمود:
به منظور بررسی تأثیر رابطه میان باز بودن تجاری و حکمرانی خوب بر بی ثباتی رشد اقتصادی مدل زیر تصریح می گردد:

$$EGV = (Open, GGI, EGI) \quad (1)$$

شکل تبعی الگوی مورد نظر با توجه به مبانی نظری و الگوی بیرگوگلیو و ولا (2019) به شکل یک تابع خطی به صورت زیر خواهد بود.

$$EGV_t = \alpha + \beta_1 Open_t + \beta_2 GGI_t + \beta_3 EGI_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

۱- Binay & Atalay

۲- Mekonnen & Dogruel

۳- Emara and Chiu

۴- Debrun et al

که در آن:

EGV_t بیانگر بی‌ثباتی رشد اقتصادی است. داده‌های مربوط به نرخ رشد اقتصادی از مرکز آمار ایران برای دوره زمانی 1375-1398 استخراج شده است. جهت دستیابی به بی‌ثباتی نرخ رشد اقتصادی، انحراف استاندارد رشد تولید ناخالص داخلی با استفاده از رابطه (3) محاسبه می‌شود:

$$sd(X) = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (X_i - \bar{X})^2}{n-1}} \quad (3)$$

در این روش میزان انحراف از میانگین متغیر نشان داده می‌شود و یکی از روش‌های معتبر جهت محاسبه بی‌ثباتی است.

دیگر متغیرهای موجود در معادله (1) شامل $Open_t$ که بیانگر درجه باز بودن تجاری است و از نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود و داده‌های آن از سایت مرکز آمار ایران برای دوره 1375-1400 استخراج شده است. GGI_t بیانگر شاخص حکمرانی سیاسی است که در این مقاله از میانگین شش شاخص حکمرانی خوب شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی دولت، ثبات سیاسی و مقابله با خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد برای این متغیر استفاده شده و داده‌های آن از سایت حکمرانی خوب بانک جهانی استخراج شده است. EGI_t شاخص حکمرانی اقتصادی دولت است که از نسبت بدهی‌های دولت به تولید ناخالص داخلی بدست می‌آید و داده‌های آن از سایت بانک جهانی استخراج شده است. α پارامتر عرض از مبدأ، β_i ضرایب تخمین، ε_t جزء خطا و t بیانگر زمان است.

برای برآورد اثرات کوتاه‌مدت متغیرهای مستقل بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی، معادله (1) با فرمت مدل تصحیح خطا به صورت زیر

نوشته می‌شود:

$$\Delta EGV_t = \lambda + \sum_{j=1}^{n_1} b_j \Delta EGV_{t-j} + \sum_{i=0}^{n_2} c_i \Delta GGI_{t-j} + \sum_{j=0}^{n_3} d_j \Delta EGI_{t-j} + \sum_{j=0}^{n_4} e_j \Delta Open_{t-j} + \gamma_0 EGV_{t-1} + \gamma_1 GGI_{t-1} + \gamma_2 EGI_{t-1} + \gamma_3 Open_{t-1} + v_{it} \quad (3)$$

در معادله (3)، Δ بیانگر تفاضل متغیرها، λ عرض از مبدأ، b_j ، c_j ، d_j ، e_j ، γ_0 ، γ_1 ، γ_2 و γ_3 ضرایب تخمینی و v_{it} بیانگر

جزء اخلاص است. در معادله (3) وقفه‌های متغیرها، اعم از وابسته و مستقل، به عنوان متغیرهای ابزاری استفاده می‌شوند.

لازم به ذکر است که دلیل این که داده‌های حکمرانی خوب از سال 1375 تا کنون ارائه شده است، بازه زمانی 1375 تا 1400 در این

مطالعه مورد بررسی قرار گرفت.

4-1- آزمون مانایی متغیرهای الگو

به کارگیری روش های معمول اقتصادسنجی با استفاده از داده های نامانا باعث می شود آزمون ها از اعتبار لازم برخوردار نباشند و محقق استنباط های غلطی در مورد ارتباط میان متغیرها انجام دهد. بنابراین مانایی متغیرهای مورد استفاده در این مقاله به وسیله آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته بررسی شده است.

جدول (2)- نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

نام متغیر	نماد متغیر	آماره ADF	احتمال آماره	نتیجه آزمون
بی ثباتی رشد اقتصادی	EGV_t	-1/335	0/5969	نامانا
تفاضل مرتبه اول بی ثباتی رشد اقتصادی	ΔEGV_t	-4/980	0/0005	مانا
درجه باز بودن تجاری	$Open_t$	-1/753	0/3938	نامانا
درجه باز بودن تجاری	$\Delta Open_t$	-5/097	0/0004	مانا
شاخص حکمرانی خوب	GGI_t	-2/554	0/1166	نامانا
تفاضل مرتبه اول شاخص حکمرانی خوب	ΔGGI_t	-15/206	0/0000	مانا
شاخص حکمرانی اقتصادی	EGL_t	-6/1304	0/0001	مانا

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج جدول (2)، مقدار احتمال آماره t متغیر حکمرانی اقتصادی دولت در سطح، از 0/05 کوچکتر است، بدین ترتیب فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می شود و شاخص مذکور در سطح مانا است. احتمال آماره t برای متغیرهای بی ثباتی رشد اقتصادی، باز بودن تجاری و حکمرانی خوب در سطح از 0/05 بزرگتر و احتمال آماره تفاضل مرتبه اول آن ها از 0/05 کوچکتر است. در نتیجه متغیرهای مذکور در سطح نامانا و در تفاضل مرتبه اول مانا هستند.

4-2- برآورد الگوی خود توضیحی با وقفه های توزیعی

از شروط استفاده از الگوی ARDL، آگاهی از درجه هم جمعی متغیرها است. با توجه به این که متغیرهای مورد استفاده در این مقاله دارای درجه هم جمعی صفر و یک هستند، از آزمون کرانه ها به هم جمعی پسران برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها استفاده شد.

جدول (3)- نتایج آزمون هم جمعی باند

سطح خطا	حد پایین مقدار بحرانی جدول	حد بالا مقدار بحرانی جدول	آماره F
10 درصد	2/01	3/1	7/1834
5 درصد	2/45	3/23	
1 درصد	3/42	4/84	

منبع: یافته های پژوهش

بر اساس جدول (3) مقدار آماره هم‌جمعی باند برابر با $7/1834$ است که از حد بالایی بحرانی در سطوح 10، 5 و 1 درصد خطا بزرگتر می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه صفر آزمون باند مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی و عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده و فرضیه مقابل یعنی وجود هم‌جمعی و روابط بلندمدت بین متغیرها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. از آنجا که تعداد وقفه‌های بهینه در الگوی ARDL بر اساس تعداد مشاهدات انتخاب می‌شود، با توجه به کم بودن حجم نمونه در مقاله حاضر، تعداد وقفه‌های بر اساس معیار شوارتز^۱ که اصل صرفه‌جویی را رعایت می‌کند، برابر با 3 در نظر گرفته شد. الگوی خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی به پیروی از پسران و همکاران (2001) و با در نظر گرفتن حداکثر 3 تأخیر برآورد شد. نتیجه حاصل از برآورد تعداد رگرسیون انتخابی الگویی با 1 تأخیر بر روی متغیر وابسته (بی‌ثباتی رشد اقتصادی)، و 1 تأخیر بر متغیرهای مستقل درجه باز بودن تجاری و حکمرانی خوب و سه تأخیر بر متغیر مستقل حکمرانی اقتصادی دولت (3، 1، 1، 1) ARDL است. نتایج حاصل از برآورد الگوی (1) به روش ARDL در جدول (4) ارائه شده است.

^۱ - Shwarz Criterion

جدول (4) - نتایج برآورد الگو (3, 1, 1) ARDL

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال
وقفه اول بی ثباتی رشد اقتصادی	$EGV_t(-1)$	0/511	11/902	0/000
درجه باز بودن تجاری	$Open_t$	0/265	1/888	0/079
وقفه اول درجه باز بودن تجاری	$Open_t(-1)$	-0/692	-2/395	0/031
شاخص حکمرانی خوب	GGI_t	-0/504	-3/045	0/008
وقفه اول شاخص حکمرانی خوب	$GGI_t(-1)$	0/311	3/094	0/008
شاخص حکمرانی اقتصادی	EGL_t	-0/0003	3/372	0/004
وقفه اول شاخص حکمرانی اقتصادی	$EGL_t(-1)$	0/017	1/644	0/1224
وقفه دوم شاخص حکمرانی اقتصادی	$EGL_t(-2)$	-0/031	-3/207	0/006
وقفه سوم شاخص حکمرانی اقتصادی	$EGL_t(-3)$	0/031	9/040	0/000
ضریب تعیین	R^2	0/917	\bar{R}^2	0/870

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (4) مقادیر ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده معادل 91/7٪ و 87٪ هستند که بزرگ بودن این آماره‌ها نشان‌دهنده بالا بودن میزان توضیح‌دهندگی متغیرهای مستقل در مورد تغییرات متغیر وابسته می‌باشد. پس از برآورد الگو به منظور حصول اطمینان از خوب بودن برازش الگو و نتایج آن، از آزمون‌های تشخیص فروض کلاسیک، ثبات پارامترهای الگو و عدم تورش تصریح استفاده می‌شود. برای آزمون خودهمبستگی اجزای خطا از آزمون بروش-گادفری^۱ استفاده می‌شود که فرضیه صفر آن مبتنی بر عدم وجود خودهمبستگی اجزای خطاست. برای آزمون ناهمسانی واریانس اجزای خطا از آزمون وایت^۲ استفاده می‌شود که فرضیه صفر آن بر عدم وجود واریانس ناهمسانی دلالت دارد. به منظور بررسی نرمال بودن اجزای خطا نیز از آزمون جارکو-برا^۳ استفاده می‌شود که فرضیه صفر آن مبتنی بر نرمال بودن اجزای خطاست. آزمون تصریح درست شکل تبعی الگو نیز از آزمون رمزی^۴ است که فرضیه صفر آن عدم وجود تورش تصریح می‌باشد. در جدول (5) نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیص گزارش شده است.

جدول (5) - آزمون‌های تشخیصی الگوی ARDL

نوع آزمون	خود همبستگی بروش-گادفری	تورش تصریح رمزی	ناهمسانی واریانس وایت	نرمال بودن جارکو-برا
آماره	1/159	1/06	5/787	0/11
احتمال	0/282	0/309	0/002	0/9

منبع: یافته‌های پژوهش

۱- Breusch- Godfrey

۲- White

۳- Jarque -Bera

۴- Ramsey

با توجه به بزرگتر از 0/05 بودن آماره آزمون‌های خودهمبستگی، تورش تصریح و نرمال بودن، فرضیه صفر در مورد آزمون‌های مذکور را نمی‌توان رد کرد. بنابراین الگو از تصریح مناسبی برخوردار است و جملات خطا نرمال هستند و دارای خودهمبستگی سریالی نیستند. اما احتمال آماره آزمون ناهمسانی واریانس از 0/05 کوچکتر است که نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس رد می‌شود. بدین ترتیب برای برآورد الگو لازم است مشکل ناهمسانی واریانس را برطرف کرد. نتایج رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت پس از برطرف کردن ناهمسانی واریانس، در جدول (6) ارائه شده است.

جدول (6) - نتایج معادله بلندمدت و کوتاه‌مدت (ARDL (1, 1, 3)

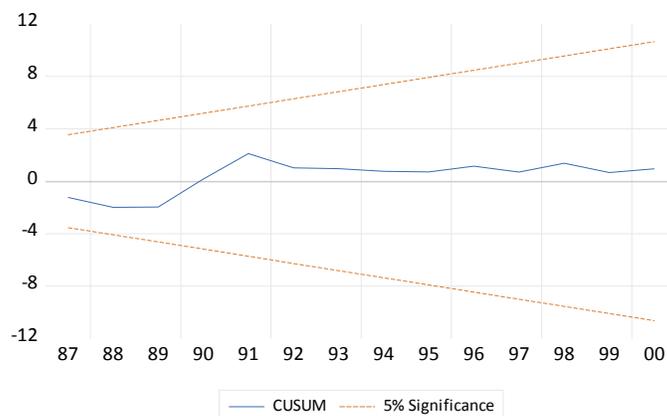
دوره	متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال
بلندمدت	درجه باز بودن تجاری	$Open_t$	-0/848	-2/342	0/030
	شاخص حکمرانی خوب	GGI_t	-0/395	-2/3825	0/035
	شاخص حکمرانی اقتصادی	EGL_t	0/039	3/868	0/002
کوتاه‌مدت	تفاضل درجه باز بودن تجاری	$\Delta Open_t$	0/276	1/259	0/228
	تفاضل شاخص حکمرانی خوب	ΔGGI_t	-0/504	-3/634	0/003
	تفاضل شاخص حکمرانی اقتصادی	ΔEGL_t	0/003	0/535	0/607
	تفاضل وقفه اول حکمرانی اقتصادی	$\Delta EGL_t(-1)$	-0/002	-0/005	0/996
	تفاضل وقفه دوم حکمرانی اقتصادی	$\Delta EGL_t(-2)$	-0/031	-4/413	0/0006
	ضریب تصحیح خطا	ECM(-1)	-0/489	-5/907	0/000

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول (6) ضریب تصحیح خطا معادل -0/489 است، که نشان می‌دهد در هر دوره 48/9 درصد از عدم تعادل در کوتاه‌مدت تعدیل می‌شود و به سمت روند بلندمدت خود پیش می‌رود. با توجه به آماره t در بلندمدت، متغیرهای درجه باز بودن تجاری و شاخص حکمرانی خوب اثر منفی و معنادار و متغیر شاخص حکمرانی اقتصادی اثر مثبت و معنادار بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی 1375-1400 داشته‌اند.

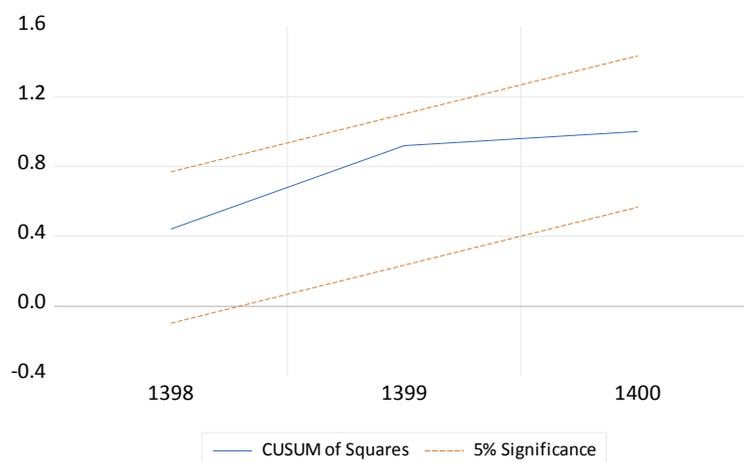
اکنون باید تصریح درست الگو و عدم وقوع شکست ساختاری را آزمون کرد. تصریح نادرست الگو باعث تمایل به تغییر در علامت تعدادی از خطاهای بازگشتی خواهد شد که اثر آن حرکت نمودار مذکور از یک طرف محور افقی به طرف دیگر آن است. از طرفی زمان شروع یک افزایش یا کاهش شدید در مقدار مجموع تراکمی مجذور خطاهای بازگشتی نیز زمان وقوع یک شکست ساختاری در رگرسیون مورد بررسی را نشان می‌دهد که قطع یکی از دو خط منقطع توسط نمودار بیانگر وقوع شکست ساختاری در

ضرایب برآوردی الگو در محدوده زمانی برخوردار است. نمودارهای (1) و (2) نتایج آزمون‌های مجموع تراکمی خطاهای بازگشتی^۱ و مجموع تراکمی مجذور خطاهای بازگشتی^۲ را نشان می‌دهد.



نمودار (1) - آزمون مجموع تراکمی خطاهای بازگشتی

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار (2) - آزمون مجموع تراکمی مجذور خطاهای بازگشتی

منبع: یافته‌های پژوهش

نمودارهای (1) و (2) نشان می‌دهد که الگو به درستی تصریح شده و شکست ساختاری در ضرایب برآوردی الگو در محدوده زمانی 1375-1400 وجود نداشته است.

5- نتیجه گیری و پیشنهادات سیاستی

۱- Cumulative Sum

۲- Cumulative Sum of Squares

مقاله حاضر با هدف تحلیل اثر درجه باز بودن تجاری و حکمرانی سیاسی و اقتصادی دولت بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی 1375-1400 انجام شد. تأیید وجود رابطه‌ای منفی بین درجه باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی مورد بررسی مبتنی بر این نظریه است که باز بودن تجاری از طریق انتقال تکنولوژی، افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای و افزایش سرمایه‌گذاری به بهبود فرآیند رشد و ثبات آن کمک می‌کند. این یافته با نتایج مطالعات بریگو گلیو و ولا (2019)، میرکو و همکاران (2017)، مکونن و دوگروئل (2017) مطابقت دارد. بدین ترتیب آزاد سازی تجاری می‌تواند باعث کاهش بی‌ثباتی و موجب رشد اقتصادی گردد. در این راستا پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی با اعمال سیاست آزادسازی تجاری، کاهش تعرفه‌های واردات و کاهش مالیات بر صادرات و اعطای معافیت مالیاتی به برخی از اقلام صادراتی سهم بیشتری از بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهند. از طرفی به دلیل تکیه ایران بر صادرات نفت که در معرض شوک‌های قیمتی قرار دارد و می‌تواند به افزایش بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشور منجر شود، پیشنهاد می‌شود صادرات کالاهای غیرنفتی از جمله کالاهای صنعتی مورد تأکید قرار گیرد تا بدین طریق از بی‌ثباتی نرخ رشد اقتصادی نیز جلوگیری شود. از طرفی وجود رابطه‌ای منفی بین شاخص حکمرانی خوب به عنوان شاخص حکمرانی سیاسی دولت و بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران در دوره مورد بررسی تأیید شد که مبتنی بر این نظریه است که بهبود نهادهای حکمرانی از طریق ایجاد انگیزه برای فعالان اقتصادی و همچنین کاهش دادن محدودیت‌های موجود بر سر راه فعالان اقتصادی به رشد اقتصادی بلندمدت و ایجاد ثبات در آن کمک می‌کند و با نتیجه مطالعه بریگو گلیو و ولا (2019) مطابقت دارد. به عبارتی این نتیجه بیان می‌دارد که با بهبود وضعیت کیفیت نهادی بی‌ثباتی رشد اقتصادی در ایران کاهش می‌یابد. بدین ترتیب لازم است دولت راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت حکمرانی سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد. از جمله اقداماتی که منجر به بهبود حکمرانی خوب می‌شود ایجاد سازمان‌های مدنی همچون مطبوعات و رسانه‌هاست، که به عنوان واسطه ارتباط بین شهروندان و دولت شناخته می‌شوند. ایجاد چنین سازمان‌هایی باعث ایجاد شفافیت و جریان آزاد اطلاعات در نظام اداری کشور شده و باعث می‌شود که حق نظارت عمومی جامعه بر فعالیت‌های دولت، از سوی دولت به رسمیت شناخته شود. همچنین دولت می‌تواند با تمرکززدایی وظایف خود که از طریق ایجاد نزدیکی بین مردم و دولت انجام می‌شود و منجر به مشارکت بیش‌تر در تعیین سیاست‌های محلی، پیگیری امور بومی و مشارکت در انتخابات محلی می‌شود پاسخگویی خود را در برابر جامعه افزایش دهد. تأیید وجود رابطه‌ای مثبت بین شاخص حکمرانی اقتصادی دولت و بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران در دوره مورد بررسی نیز مبتنی بر این نظریه است که کاهش بدهی‌های دولت از طریق کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی، به کاهش رکود اقتصادی و بحران‌های طولانی‌مدت در تولید می‌انجامد و ثبات بیشتر در رشد اقتصادی ایجاد می‌کند. این یافته با نتایج مطالعات بریگو گلیو و ولا (2019) و

دبرون و همکاران (2008) مطابقت دارد. بنابراین لازم است حکمرانی اقتصادی دولت در ایران کاهش پیدا کند تا بدین ترتیب علاوه بر کاهش بدهی های دولت، بی ثباتی رشد اقتصادی نیز کمتر شود. کاهش تصدی گری دولت و واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی از طریق توانمندسازی بخش خصوصی، تشویق جامعه به پس انداز و سرمایه گذاری و رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت های بخش خصوصی از راهکارهای پیشنهادی است.

فهرست منابع فارسی

- احمدپور کچو، علی، دهمرده، نظر. (1398). اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. *اقتصاد و توسعه منطق‌های*، 26 (17)، 33-62.
- بدیسار، سید ناصرالدین، احمدی، سید محمدصادق، مدیرنژاد، عاطفه سادات. (1399). ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در بخش آب. *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، 22 (2)، 275-286.
- جعفری، مولود، سامتی، مرتضی، رجیبی، مصطفی. (1398). اثر کیفیت نهادها بر رفاه بین‌نسلی در ایران (رویکردی به الگوی نسل‌های همپوشان). *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، 27، 203-224.
- جهان‌تیغ، فروغ، هاتفی مجومرد، مجید، جلالی، ام‌البنین. (1398). تحولات سیاسی کابینه و اثرات آن بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، 7، 96-117.
- دهقان منشادی، محمد، پوررحیم، پروین. (1392). رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، 21 (67)، 171-192.
- زارعی، بتول، لاجوردی، حسن. (1397). بررسی رابطه توسعه مالی و تکانه‌های نفتی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی. *اقتصاد مالی*، 43 (4)، 12-193-208.
- سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، محسنی، فضیلت، (1390). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، *فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، 1 (4)، 183-223.
- سلمانی، یونس، یاوری، کاظم، سحابی، بهرام، اصغریور، حسین. (1395). اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بدهی‌های دولت بر رشد اقتصادی در ایران. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران (مطالعات اقتصادی کاربردی)*، 5 (18)، 81-107.
- کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم، دورباش، معصومه. (1396). بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران، با رویکرد تصحیح خطای برداری. *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، 6، 3، 127-155.
- عزیزی، زهرا، پدرام، مهدی، عزیزی، پگاه، (1397). نقش متنوع‌سازی صادرات بر رابطه بین باز بودن تجاری و بی‌ثباتی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب (1980-2015). *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، 23 (77)، 107-138.
- عمادزاده، مصطفی، جعفری، مولود. (1398). سرمایه انسانی و رشد اقتصادی. اصفهان: انتشارات دانشگاه شیخ بهایی.

برادران شرکاء ، حمید رضا، ملک الساداتی، سیدسعید، (1387)، تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب (1996-2005). راهبرد، 1، 49، 27-52.

Abubaker, R. (2015). The asymmetric impact of trade openness on output volatility. *Empirical Economics*. 49 (3): 881-887.

Apere, O. T. (2014). The Impact of Public Debt on Private Investment in Nigeria: Evidence from a Nonlinear Model, *International Journal of Research in Social Sciences*, 4(2), 130-138.

Azam, M. (2022). Governance and economic growth: evidence from 14 Latin America and Caribbean countries. *Journal of the Knowledge Economy*, 13(2), 1470-1495.

Bejan, M. (2006). Trade openness and output volatility. *Instituto Tecnológico Autónomo de México*.

Binay ,M and Atalay ,N. (2019). Global Governance: Economic Growth and Income Distribution. *Accounting Magazine*. 112 , 137 - 158.

Briguglio, L., & Vella, M. (2018). Trade openness, volatility and governance. *Handbook of Small States*, 42-52.

Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., Vella, S. (2009). Economic vulnerability and resilience: concepts and measurements. *Oxford development studies*, 37(3), 229-247.

Bowdler, C., and Malik, A. (2017). Openness and inflation volatility: Panel data evidence. The North American. *Journal of Economics and Finance*, 41: 57-69.

Calderon, C. and Fuentes, R. (2006). Complementarities between Institutions and Openness in Economic Development: Evidence for a Panel of Countries. *Cuadernos de Economía*, 43: 49-80.

di Giovanni, Julian and Andrei A. Levchenko (2009). Trade openness and volatility. *Review of Economics and Statistics*, 91(3), 558-585.

Debrun, X., Pisani-Ferry, J., & Sapir, A. (2008). Government size and output volatility: should we forsake automatic stabilization?.

Dogruel, A. S. Growth Volatility And Openness In Sub-Saharan Africa. *Marmara Journal of Economics*, 209-228.

Emara .N , Chiu .I-M. (2016). The Impact of Governance Environment on Economic Growth: The Case of Middle Eastern and North African Countries, *Journal of Economics Library*, 3, 1, 24-37.



- Fatás, A. and Mihov, I. (2013). Policy volatility, institutions and economic growth. *Review of Economics and Statistics*, 45(2):362-376.
- Hadhek, Z., & Mrad, F. (2015). Trade openness, institutions and economic growth. *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 75, 96-104.
- Hamid, I., Alam, M. S., Kanwal, A., Jena, P. K., Murshed, M., & Alam, R. (2022). Decarbonization pathways: the roles of foreign direct investments, governance, democracy, economic growth, and renewable energy transition. *Environmental Science and Pollution Research*, 29(33), 49816-49831.
- Hegerty, S.W. (2014). Openness and macroeconomic volatility: do development factors drive such ambiguous results? Department of Economics, Northeastern Illinois University.
- Khan, M., (2004). State Failure in Developing Countries and Strategies of Institutional Reform, pp. 165-195.
- Krishna, P and Levchenko, A. (2009). comparative advantage, complexity and volatility. NBER Working Paper No. 14965.
- Mekonnen, J.L., Dogruel, A. S. (2017). Growth Volatility And Openness In Sub-Saharan Africa, *Marmara İktisat Dergisi . Marmara Journal of Economics* ,1(2). 209-228
- Mercan, M., Gocer, I., Bulut, S., & Dam, M. (2013). The effect of openness on economic growth for BRIC-T countries: Panel data analysis. *Eurasian Journal of Business and Economics*, 6(11), 1-14.
- Mira ,R , Hammadache ,A .(2017). Good Governance and Economic Growth: A Contribution to the Institutional Debate about State Failure in Middle East and North Africa, *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11, 107-120.
- Mireku, K., Animah Agyei, E., & Domeher, D. (2017). Trade openness and economic growth volatility: An empirical investigation. *Cogent Economics & Finance*, 5(1).
- Raghutla, C. (2020). The effect of trade openness on economic growth: Some empirical evidence from emerging market economies. *Journal of Public Affairs*, 20(3).
- Raghutla, C., Sampath, T., & Chittedi, K. R. (2018). Financial development, trade openness and growth in India. *Theoretical and Applied Economics*, 1(614), 113-124.
- Rodrik, D. (1999). Democracies pay higher wages, *Quarterly Journal of Economics*, 114 (3), 707-738.

Analyzing the Effect of Trade Openness and Good Governance on the Volatility of Economic Growth in Iran

Parnian Zarbakhsh^۱, Mustafa Rajabi*^۲

Abstract

The first goal of any economy to move on the path of growth and development is to achieve sustainable growth. Hence, countries are working to reduce volatility in economic growth. One of the factors affecting the volatility of economic growth is foreign trade. The effect of this variable on the volatility of economic growth is different in different countries and one of the reasons is the difference in the institutions of countries. The present study seeks to answer the question of how trade openness considering the situation of government institutions has an effect on the volatility of Iran's economic growth. For this purpose, the volatility of economic growth was obtained by calculating the standard deviation of economic growth. The ratio of exports plus imports to GDP as a degree of trade openness, an average of six indicators of good governance including the Voice and Accountability, Political stability, Government Effectiveness, Regulatory Quality, Rule of Law and Control of Corruption as indicators of political governance and the ratio of government debt to GDP were also used as alternative to government economic governance. In order to achieve the research goal for the Iranian economy during the period 1996-2019, the model was estimated by ARDL method. The results showed that during the study period, increasing trade openness and improving good governance has led to a decrease in the volatility of Iran's economic growth. On the other hand, the increase in the government's economic governance has increased the instability of Iran's economic growth.

Keywords: Economic Growth Volatility, Trade Openness, Economic Governance, Institution, Good Governance.

JEL Classification: C33, E32, O43, H11.

^۱ -M.Sc. student in Economics Development and Planning, Faculty of Law and Economics, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran.

Parnian.zarbakhsh@iaukhsh.ac.ir

^۲ -Assistant Professor of Economics, Faculty of Law and Economics, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr/Isfahan, Iran(Corresponding Author)
rajabi@iaukhsh.ac.ir